

گفتگوی کانال بذرهای ماندگار با چنگیز قبادی فر
(پیرامون سیاست الترناتیو سازی امپریالیستها در جنبش جاری !)

<https://www.youtube.com/watch?v=JUH0Wxncifg>

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود های گرم به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران. بیش از دو هفته است که به دنبال قتل ژینا (مهسا) امینی خیزشی انقلابی بزرگی علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شکل گرفته است. این اعتراضات که دامنه آن بیش از ۱۲۰ شهر کشور را در بر گرفته و با حمایت وسیع ایرانیان مقیم خارج از کشور مواجه گشته به پرسش های بسیاری هم دامن زده است. برخی از این پرسش ها را با رفیق چنگیز قبادی فر از مسئولین چریکهای فدائی خلق ایران در میان گذاشتیم تا شنوندگان کانال بذر های ماندگار بیشتر در جریان مواضع چریکهای فدائی خلق در این رابطه قرار بگیرند.

پرسشگر: با درود رفیق چنگیز قبادی فر! و با سپاس از این که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید.
رفیق چنگیز قبادی فر: با درود به شما که چنین گفتگویی را سازمان داده اید.

پرسش: رفیق چنگیز همان طور که می دانید این روز ها انقلابی بزرگ ایران را فراگرفته است. با توجه به خیزش های قبلی که در سالهای ۸۸، ۹۶، ۹۸ شاهد بودیم این خیزش را چگونه می بینید؟ بعضی ها آنرا یک قیام بی سابقه و آغاز یک انقلاب ارزیابی می کنند.

پاسخ: اینروزها تاریخ درخشان مردم کشور ما در حال ورق خوردن و ثبت رویدادهای مبارزاتی درخشانی ست که جدا از سرنوشت آن هیچ گاه از یادها نخواهد رفت. اکنون در سراسر کشور از کردستان گرفته تا بلوچستان و از آذربایجان گرفته تا تهران و شمال کشور و ... در اثر فداکاری های توصیف ناپذیر جوانان زنان و مردم تحت ستم ما، انقلابی برای آزادی توده ها از چنگال دشمنانشان در حال نفس کشیدن است! شعله های این خیزش، سراسر وجود مردم ما و تمام وجدانهای آزادیخواه در سراسر جهان را در امید و بیمی توامان می سوزاند. قتل وحشیانه دختر کرد، ژینا امینی، تنها جرعه ای بود که آتش انقلاب را در ایران شعله ور ساخت. اما، هر چه گذشته، جنبش نه تنها خاموشی نمی گیرد بلکه در قامت زنان و مردانی که مرگ را به سخره گرفته اند وسعت بیشتری گرفته و عمیق تر گشته است.

برغم سرکوب وحشیانه حرکات مردمی توسط مزدوران هار رژیم، برغم شلیک تیرهای جنگی، گلوله های ساچمه ای، برغم شلیک به دست و پا و سر قربانیان، برغم قتل عام مردم در زاهدان و لت و پارکردن دانشجویان در تهران و در یک کلام به رغم سرکوب خونین، بی وقفه و بی محابا توسط دیکتاتوری حاکم، مردم سلحشور ما در ده ها شهر کشور باز به میدان می آیند و به میدان جنگی آشکار که بین سرمایه داران زالو صفت حاکم و رژیمشان جمهوری اسلامی از یک سو با میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و خلقهای تحت ستم تبدیل شده می پیوندند. از دل این جنگ نابرابر، **روحیه مبارزاتی نوینی** در میان توده های به پا خاسته از پیر و جوان، زن و مرد و کودک و نوجوان زاده شده که هیچ زوری قادر به در هم کوبیدن و منکوب نمودن آن برای همیشه نیست. در خیابانها مردم به نیروهای سرکوب تا بن دندان مسلح یورش می برند. در مقابل سلاح های نشانه رفته به قلبشان استوار می ایستند، و فریاد "بی شرف" و "مرگ بر دیکتاتور" و "جمهوری اسلامی نمی خواهیم!" سر داده و فریاد می زنند بترسید از روزی که مسلح شویم! مشاهده چنین شجاعتی **باعث تشدید ریزش** در میان خودی های نظام و حتی میانه بازانی شده که در قالب هنرمند و سلیمیتری و مخالف درونی و... از تداوم این نظام استثمارگرانه و چهل و سه سال سرکوب توده های به پا خاسته موقعیت خرید و استفاده برده اند! اکنون با مشاهده قدرت محرومان اینها در حال تغییر "جبهه" و جادادن خود در میان صفوف انقلاب گریز ناپذیر آتی هستند! چنین واقعیتی اون هم در این ابعاد در گذشته بی سابقه بوده است.

ندای خیزش برای واژگون کردن نظم کهنه آنقدر بلند و امواج طوفان آنقدر محکم و غیر قابل انکار است که شورش و و انقلاب به "تیترا" روزنامه های رسمی نیز بدل شده است! هنرمندان و ورزشکاران یکی پس از دیگری نه تنها از کانال شبکه های اجتماعی بلکه از پشت خود بلندگوهای رسمی نظام، سیاست طبقه حاکم و سرکوب مردم را محکوم و نفرت خود از آن را اعلام می کنند. چنین حدی از نفرت و تحقیر "فرمانده" آبروباخته در راس نظام حتی برای خود طبقه حاکم نیز قابل باور نبود. چنین وضعی را تنها در جریان یک خیزش همگانی عمیق، یعنی یک انقلاب می توان سراغ گرفت. انقلاب، همه طبقات و افشار جامعه را به میدان مبارزه می کشاند. همه چیز یادآور رویدادهای انقلاب سالهای ۵۷-۵۶ است صدای شکسته شدن استخوانهای فرسوده سگان زنجیری فلابه شده امپریالیستها در کنفرانس گوادالوپ در ابعادی بزرگتر، عمیقتر و غیر قابل انکارتر از رویدادهای منتهی به قیام بهمن ۵۷ به گوش می رسد! همه چیز نشون می ده که این جنبش دلاورانه هر سرنوشتی پیدا کنه، جمهوری اسلامی به هیچ وجه قادر به بازگردوندن وضع جامعه به اوضاع قبل از این رویدادها نخواهد شد.

پرسش: می دانیم که هر خیزش توده ای که منافع سرمایه داران را به خطر بیندازد بطور طبیعی علاوه بر حربه سرکوب اتاق های فکر آنها را هم فعال می کنه تا در حسنجوی جایگزینی باشند که

در لحظه خطر منافعشان را حفظ کنه در رابطه با تحرکات دشمنان مردم در این زمینه چه می گوید؟

پاسخ: گرچه آنچه که امروز در کف خیابانهای در تسخیر جوانان سلحشور ما می گذرد منشاء امید همه ماست! اما این امید با بیمی به جا توام است و آن احساس بی اطمینانی از آینده سیلی ست که در خیابانهای کشور ما علیه جمهوری اسلامی و حامیان جهانی آشکار و نا آشکار این رژیم به راه افتاده است! چرا که همانطور که شما اشاره کردید صدای انقلاب و بانگ رسای کوشش برای تغییر و واژگونی بساط استثمار و سرکوب به گوش امپریالیستها، دشمنان ما، همانهایی که انقلاب سالهای ۵۷-۵۶ را در نیمه راه به شکست کشانده و آن را به دست دار و دسته جنایتکار خمینی دادند، نیز رسیده است. در همین رابطه، از زمان جنبشهای سال ۹۶ و ۹۸ ما شاهد تلاشهای چندین ساله رسانه های امپریالیستی از جمله "من و تو" و "ایران اینترنشنال" و "بی بی سی سی" و ... برای تبلیغ افسانه اصلاحات و یا ایجاد زمینه برای بازگشت سلطنت در بحرانهای جاری بوده ایم. صدای آمریکا هنوز هم شعار "رضا شاه روح شاد" را تبلیغ می کند و این در حالی است که شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" با چنان آواز بلند و همه گیری در جامعه سر داده شده که کاسه کوزه این رسانه های دروغپرداز را به هم ریخته و گردانندگان آنها را قانع کرده که شعارهای داخل کشور در نفی هر گونه دیکتاتور و ستمگر رو همیشه استتار کرد و ندیده گرفت و این شعار پیش از هر چیز بیانگر آگاهی والای مردم و فقدان زمینه برای بازگرداندن بازماندگان و عمله اکره جنایتکاران سلطنت است.

اما آیا آنهایی که صدای انقلاب مردم ایران را دیگر بار شنیده اند، با دریافت عقیم بودن این آلترناتیو ارتجاعی، از کوشش های خود برای رهبر سازی، و کانالیزه کردن جنبش کنونی (نظیر سال ۵۷) به مسیرهای انحرافی و بی خطر به منظور حفظ نظامشان دست می کشند؟ پاسخ مسلما منفی ست. منافع امپریالیستهای گوناگون از چین و روسیه و اروپا گرفته تا کانادا و آمریکا در ایران (مملو از منابع نفت و گاز و مواد معدنی و موقعیت سوق الجیشی سرزمین ما)، بسیار بزرگ و برای آنان غیر قابل چشم پوشی ست. پس دشمنان اصلی مردم ما برای حفظ منافع خود و به شکست کشاندن انقلاب و انحراف مسیر آن باید به حيله و یا تاکتیکهای جدیدی متوسل بشوند.

این واقعیتی ست که "بوی حلوای" جمهوری اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگری فضای سیاسی را انباشته و همین امر باعث جذب نیروی بسیار بزرگی در داخل و خارج به خیزش انقلابی اخیر شده است. حتی محافظه کارترین اقلیت ایرانیان خارج کشور که اصولا به هر دلیلی در هیچ حرکت اعتراضی مردمی شرکت نمی کردند نیز با امید به نابودی این رژیم به تظاهرات حمایتی در خارج پیوسته اند. اینها استخوانبندی آن نیروی سیالی هستند که امروز رسانه های امپریالیستی با سرمایه گذاری و تبلیغ در صفوفشان زیر شعار فریبنده "اتحاد همه با هم" به سازماندهی شان مشغولند. البته در میان این توده عظیم در خارج از کشور شمار بزرگی از ایرانیان شریف قرار دارند اما نگاه کوچکی به ترکیب آن در کشورهای مختلف نشانگر آن است که از اصلاح طلبان تبهکار دهه ۸۸ و وابستگانشان تا طرفداران رژیم شاهنشاهی و حتی عناصر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی نیز همه حضور یافته اند تا زیر علم شعارهایی نظیر "زن زندگی آزادی"، "مرد میهن، آبادی" (که تکرار آن حتی برای بخشهایی از حاکمیت فعلی نیز مجاز و قابل تحمل است) و یا "انقلاب زنانه"، شعارهای رادیکال توده به پا خاسته داخل کشور نظیر "جمهوری اسلامی، نابود باید گردد"، "نان کار آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" و "وای به روزی که مسلح شویم" و... حتی الامکان کنار زده و به حاشیه رانده و با ایجاد یک پلاتفرم رفرمیستی و بی خاصیت در خارج، رادیکالیزم داخل را زایل سازند.

پرسش: چند روز پیش در ۹ مهر ماه برابر با اول اکتبر (۲۰۲۲)، در حدود ۱۵۰ کشور جهان تظاهرات وسیع و هم زمان با هم در حمایت از خیزش مردم در ایران صورت گرفت. برخی ها معتقدند که با توجه به محدودیت های نیرو های سیاسی شناخته شده بدون شک باید قدرتی پشت این حرکت هماهنگ سراسری بوده باشد. اینطور نیست؟

پاسخ: من در پاسخ به سوال بسیار مهمی که مطرح کردید باید تاکید کنم. ببینید! تشخیص منشاء اصلی و قدرت واقعی در ماورای پروژه عظیم تظاهرات سراسری در بیش از ۱۵۰ شهر بزرگ و کوچک دنیا و بسیج بی سابقه ایرانیان خارج کشور در این تظاهرات زیر نام "اتحاد ایرانیان" چندان دشوار نیست. وجود پرچمهای نفیس یک شکل و اندازه توزیع شده از سوی منابع ناشناس در میان جمعیت با سلطه شعارهایی که بسیار از شعارهای داخل کشور به لحاظ شکل و مضمون عقب تر هستند، هر کسی را می تواند به این فکر وا دارد که چه نیروئی در پشت این تظاهرات قرار دارد.

برای هر کسی که دستی بر آتش دارد نیاز به تاکید نیست که سازماندهی حرکتی به این بزرگی نیازمند امکانات بسیار وسیع مالی، شبکه نیرومند و گسترده ای از ارتباطات و ابزار تبلیغاتی بسیار قوی بین المللی ست که از عهده و توان فعلی نیروهای انقلابی تبعیدی در خارج کشور خارج است. سوال اینه که پس چه نیرو و تشکیلاتی در پشت این حرکتهاست؟

پاسخ این است که تمامی شواهد موجود نشان می دهند قدرتی که در انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ به تدریج در میان انواع آلترناتیوهای موجود برای غرب سرانجام در پشت خمینی تبهکار متمرکز شد و عکس او را یک شبه به ماه فرستاد و با طوفان سیستما تیک تبلیغاتی بر بستر ضعف و فقدان یک آلترناتیو انقلابی بر جنبش حاکم کرد، اکنون نیز در شکلی دیگر دست اندر کار توطئه علیه جنبش انقلابی خلق ماست. آنها دیروز با همه قوا سلطنت را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی تبلیغ می کردند و البته این به اصطلاح آلترناتیو را هنوز کنار نگذاشته اند. اما دنبال پروژه های دیگر هم هستند. در حال حاضر شاهدیم که **اونها دارند** روی تشکل شناخته شده "خانواده قربانیان پرواز ۷۴۷" (قربانیان یکی از کثیفترین جنایات جمهوری اسلامی) متمرکز می شوند؛ و برای سازماندهی نیروی جنبش در خارج کشور و از آن طریق معرفی یک "آلترناتیو متحد کننده" به توده های به پا خاسته و شریف داخل و نفوذ در جنبش انقلابی آنها، از حسن توجه مردم نسبت به این خانواده های داغدار استفاده می کنند.

هیچ کس نمی تواند بدون پا گذاردن بر واقعیت منکر این حقیقت شود که حرکات سراسری یک هفته اخیر به قولی در ۱۵۰ شهر جهان در یک زمان و با پوستر یکسان، و تهیه پرچمهای یک رنگ و یک شکل، پرداخت هزینه های گزاف در محلهای تظاهرات به قدرتی نیازمند است که دارای شبکه وسیع ارتباطی و پوشش تبلیغاتی وسیع و امکانات مالی قابل توجه باشد. (مثلاً برپائی تظاهرات در ترافلگار اسکوئر لندن که هر کسی می دونه پرداخت حق بیمه آن برای شهرداری و مدیران این محل توریستی در حرکات مشابه به چند هزار پوند بالغ می شه یک نمونه است) نکته قابل توجه در آن تظاهرات یکی این بود که در بسیاری از نقاط، سازماندهندگان نامرئی این حرکات حتی از قید شعار حداقلی مرگ بر جمهوری اسلامی - که حداقل خواست توده های مردم ایران است که آن را با نثار خون پاک خود در خیابانهای ایران فریاد می زنند بر پرچم این تظاهرات نیز ابا داشتند.

امکانات چنین بزرگی را دستهای نامرئی با کمک از پوشش تبلیغاتی رسانه های امپریالیستی نظیر ایران اینترنشنال (برخی نام آشغال نشنال به آن داده اند) فراهم کردند؛ و تحت نام خانواده قربانیان پرواز ۷۴۷ و به طور مشخص چهره شناخته شده کمپین بر حق این خانواده ها یعنی حامد اسماعیلیون عملی کرده و به پیش بردند. حامد اسماعیلیون کسی است که همسر و فرزندش را در جریان شلیک جنایتکارانه مأموران جمهوری اسلامی به پرواز ۷۴۷ از دست داده است. حال امروز دشمنان قسم خورد مردم ایران، دستهای ناپاک خود را در پشت او قرار داده اند تا با سوء استفاده از حسن توجه مردم نسبت به یک فرد داغ دیده، بتوانند امیال و سیاستهای ضد خلقی خود را علیه مردم ما به پیش ببرند.

پرسش: آیا معنی حرفهای شما اینه که نیروی سازمانده این تظاهرات آلترناتیو جایگزین رژیم جمهوری اسلامی؟

پاسخ: ببینید برای پاسخ به این سوال مهمی که مطرح کردید من برای این که فقط با یک کلمه جواب ندم لازم می دونم که توجه شنوندگان عزیزتون رو به دو تا نکته جلب کنم: اول آنکه کارزار حرکات اعتراضی اول اکتبر در جهان، که گفتید در ۱۵۰ شهر برگزار شد به هیچ رو به این معنی نیست که قدرت واقعی پشت این کمپین، هم اکنون به طور قاطع آن را به مثابه آلترناتیو احتمالی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی ارائه خواهد داد. چرا؟ چون این به مولفه های بسیاری از جمله درجه تداوم و تعمیق مقاومت جنبش بی تشکل و فاقد رهبری ولی انقلابی کف خیابانهای کشور، و موفقیت کمپین "حامد اسماعیلیون" در حفظ اتحاد تمام نیروهای ضد انقلابی با نیروهای کوته بین و دوستان نادان خلق در حرکات خارج کشور و در نهایت ارزیابی و سیاست امپریالیستها از توازن قوای موجود بستگی دارد. همانطور که می دانیم در مقطع انقلاب سالهای ۵۶-۵۷، دستگاه آلترناتیو سازی امپریالیستها پیشبرد چند طرح همزمان را از "کودتای نظامی" گرفته تا "دولت انتقالی" و بالاخره " جمهوری اسلامی" به پیش میبرد و سرانجام از میان این طرح ها، پروژه جمهوری اسلامی مناسب ترین بدیل بعد از شاه برای در هم شکستن انقلاب توده ها و حفظ نظام سرمایه داری ایران شناخته شد. اکنون نیز با تداوم بحران و احتمال سرنگونی این رژیم طرحهای مختلفی از سوی دشمنان مردم ما روی میز قرار میگیره و آنها تلاش می کنند که با تحول شرایط و در صورتی که در مقابل قدرت انقلابی توده های ما نتوانند جمهوری اسلامی را همچنان در قدرت نگه دارند، یکی از آلترناتیو های مورد نظر خودشون را به جنبش انقلابی توده ها غالب سازند. چرا که باید توجه کرد هدف اصلی امپریالیستها حفظ نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما و ارتش ضد مردمی به هر قیمتی حتی به قیمت تن دادن به تعویض رژیم سیاسی ست.

نکته دوم آنکه، حمایت آشکار ارتجاعی ترین بلندگوهای تبلیغاتی وابسته و امپریالیستی از تظاهرات سراسری منتسب به "حامد اسماعیلیون" و شبکه روابط او ست که اینروزها به شدت خشم رضا پهلوی - این نوکر شناخته شده امپریالیستها و طرفدارانش- در خارج را هم برانگیخته و باعث به حاشیه رفتن آنها شده، موضوع اصلی روی شخص حامد اسماعیلیون نیست. بحث اصلی اکنون بر سر قدرت و امکانات و سرمایه گذاری وسیعی ست که دستهای پشت پرده و محافل امپریالیستی برای اهدافی مغایر با خواستهای واقعی مردم به پا خاسته ما در پشت یک فرد و یک نام متمرکز کرده اند.

من مایلم یک مساله مرتبط با این قضیه رو هم بهش اشاره کنم. با توجه به شرایط بحرانی کنونی و قدرتهای مختلفی که در جنگ کنونی در صحنه سیاسی کشور ما مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند و همچنین به خاطر نفوذ استخوان سوز ایده های سازشکارانه و رفرمیستی در میان بسیاری از نیروهای به اصطلاح "چپ" و "پیشرو".... در خارج از کشور، در شرایطی که نیروهای متعلق به طبقات و اقشار مختلف در جامعه در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند - که البته این امر در دوره انقلاب کاملاً طبیعی است- بر این امر آگاهم که چنین نیروهائی هم صدا با ارتجاع و البته به سبک و شیوه خودشان، علیه این حرفها هیاهو به راه خواهند انداخت. اما ایمان دارم که جنبش کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانانی که نسبت به چگونگی مطرح کردن خمینی و بر سر کار آوردن او توسط قدرت های امپریالیستی واقفند و با پوست و گوشت خود نتایج وخیم ۴۳ سال حاکمیت یک رژیم تبهکار وابسته و نظام سرمایه داری را لمس کرده و برغم فقدان دسترسی به شبکه تبلیغاتی آزاد و دمکراتیک دشمنان اصلی خویش را می شناسند، با مبارزاتشان دیر یا زود پته تمام "الترناتیو" های غیر مردمی و وابسته را روی آب خواهند ریخت و ماهیت آنها را در پرتو پراتیک خود در صحنه جامعه رو خواهد کرد.

همانطور که مبارزات قهرمانانه مردم ما از همان اولین روز پس از روی کار آمدن خمینی جلاد و اعلام "پایان انقلاب" چنین کرد، امروز هم جوانان ما با شعارهای "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" چنین می کنند.

پرسش: به عنوان آخرین پرسش لطفاً اگر صحبتی دارید که می خواهید در آخر با شنودگان کانال تلگرامی بذرهاى ماندگار در میان بگذارید، بفرمائید.

پاسخ: حرف آخرم اینه که سیاست یک نیروی انقلابی در این شرایط به هیچ وجه ایجاد تنش با حتی نیروهای ضد انقلابی که در جلوی صحنه این نظاهراتهایی که ظاهراً فقط علیه جمهوری اسلامی بر پا می شود به شلنگ تخته انداختن مشغولند نیست. درسته که دشمن اصلی ما جمهوری اسلامی و سلطه امپریالیستی حامی اوست. اما غفلت از بیان حقیقت به توده ها بویژه مردم داخل با هر بهانه ای از آنچه که در خارج و در فضای باصطلاح "دمکراتیک" این کشورها می گذرد، یک خیانت غیر قابل بخشش است. اجازه بدهید به افراد و نیروهائی که با نظرگاه های مختلف در خارج کشور هستند و بویژه به آنها که نیروهای انقلابی را به حل شدن و سیاهی لشکر گشتن در حرکات مورد بحث تشویق می کنند، بگویم که مردم ما یکبار ضربات سهمگین و غیر قابل جبران سیاست "همه با هم" بودن با این توجیه که فعلاً "رفتن شاه مهم است" را در جریان انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ چشیده اند. سیاست "همه باهم" بودن نتیجه اش ریخته شدن خونهای بسیار بر زمین بوده است. بنابراین دوستان و رفقا رنجیده ما! کمی صبر داشته باشید و ببینید که در صورت پیشرفت جنبش انقلابی توده های ما در داخل و قطعی شدن سرنگونی این رژیم آیا این "اتحاد همه ایرانیان" در کمپین فوق پایدار خواهد ماند؟ آیا این سیاست "همه با هم" حداقل ظرفیت و موازین دمکراتیک را برای حفظ نیروهای مبارز در صفوف خود و امکان رساندن صدای آنها را خواهد داشت؟ آیا آنها به نیروهای چپ امکان رساندن صدای خود را به مردم ایران خواهند داد و یا نه اگر گردانندگان این کمپین فعلاً نیروهائی با برجسپ چپ را در درون خود بپذیرند، صرفاً به خاطر آن است که کمپین نامبرده تحت سلطه نیروهای راست و ارتجاعی، به وجود و نام چپها در کمپین خود نیازمند است؟

تا آنجا که به هر نیرو و انسان آگاه و مبارز باز می گردد معیار ما خواستههای برحق توده های تحت ستم، کارگران و زحمتکشان، زنان، کودکان کار، قبر خوابان، گرسنگان و بیکاران، خلقهای تحت ستم و تمامی سرکوب شدگانی ست که به زبانهای مختلف فریاد می کشند در فردای جمهوری اسلامی جز "نان، کار، مسکن و آزادی و استقلال" یعنی مولفه های یک حداقل زندگی آزاد و انسانی چیزی نمی خواهند! ما در هر تظاهرات توده ای باید جدا از نفی جمهوری اسلامی شعارهای اثباتی در دفاع از کارگران و زحمتکشان و به نفع یک انقلاب واقعا اجتماعی بدیم. هر نیروئی، به هر بهانه ای مانع از انعکاس این خواستههای اولیه و بدیهی توده ها در جنبشهای حمایتی در خارج کشور شود، نهایتاً سرنوشتی جز به محاق رفتن توسط دشمنان مردم ایران نخواهد داشت. به نظر من آینده بسیار زودتر از آنچه که برخی می اندیشند این حقایق را نشان خواهد داد.

بذرهاى ماندگار: با سپاس از شرکت در این گفتگو رفیق چنگیز قبادی فر!

پاسخ: من هم از کانال بذرهاى ماندگار به خاطر این فرصت تشکر می کنم و به امید پیروزی مبارزات جوانان سلحشور ایران!